

زمینه‌های توسعه هنر در دوره تیموریان

ولی‌الله کاوسی

در مبحث مطالعات تاریخی و جست‌وجوی آنچه پیش از این روزگار بر سرزمین ما رفته است، دوره حکومت تیموریان همواره توجه و علاقه ویژه پژوهشگران و آگاهان علم تاریخ را برانگیخته است. تحولات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی این دوره از سویی، و علوم و فنون و هنرها از ادبیات و موسیقی و معماری تا نقاشی و خوشنویسی، بارها مورد مطالعه کسان بسیاری در سراسر جهان قرار گرفته و بیشتر آنان هم از ظلم و تجاوز و غارتگری و خون‌خواری تیمور آغاز کرده و سخن را بدان جا رسانیده‌اند که با وجود همه این ناآرامی‌ها، تیمور و جانشینانش اهل فرهنگ و هنردوست بودند و به حمایت از هنرمندان برخاستند و این دوره از جنبه هنری در تاریخ ایران بی‌مانند است.

امیران تیموری پس از جنگ‌های پیاپی و کشورگشایی، با سیاست‌گذاری در زمینه‌های مختلف، برای تثبیت حکومت خود دست به اقداماتی گوناگون زدند. برنامه‌ریزی ایشان در امور سیاسی و دینی و اقتصادی و ایجاد انجمن‌های مختلف علمی و فرهنگی و بهره‌گیری از آنها در پیشبرد اهداف حکومت، از عوامل مؤثر در اهمیت دوره تیموریان به ویژه در زمینه فرهنگ و هنر است. از این رو پس از بررسی تاریخی این دوره، عوامل اصلی توسعه هنر را می‌توان چنین خلاصه کرد:

۱. ثبات سیاسی

فرمانروایی درازمدت امیران تیموری از مهم‌ترین عوامل شکوفایی فرهنگ و هنر در این عصر است. از آنجا که در این زمان دامنه نفوذ سیاست و تفکر تیموریان همه ابعاد حیات اجتماعی و فرهنگی جامعه را فرا می‌گرفت، اقتداری که سالیان متمادی دوام داشت، ایشان را در اعمال سیاست‌هایشان یاری می‌رساند. حمایت از فرهنگ و هنر از برنامه‌های سیاسی مهم تیموریان بود که در دوره زمامداری هر یک پیوسته دنبال می‌شد. پیداست که ثبات قدرت حاکم در آماده‌سازی شرایط برای هنرآفرینی صنعتگران و هنرمندان نقشی اساسی داشت.

تیمور خود بیش از ۳۶ سال (۷۷۱-۸۰۷ق) با اقتدار تمام بر تخت سلطنت نشست. او بیشتر ایام حیاتش را در جنگ و ستیزهایی سپری کرد که حاصلی جز قتل و غارت و ویرانگری نداشت؛ اما به مدد ذکاوت ذاتی خویش دریافته بود که بخش مهمی از اقتدارش در گرو توجه به فرهنگ و هنر و حمایت از هنرمندان خواهد بود. امیر گورکانی در سال ۷۷۱ق در ۳۴ سالگی به سلطنت رسید و سمرقند را به پایتختی برگزید. در آن روزگار سمرقند را از شهرهای مشهور و معتبر ماوراءالنهر می‌شمرند که بالغ بر هفت تومان^۱ می‌شد. سمرقند که خاستگاه نخستین فرمانروایان ایران پس از اسلام یعنی سامانیان بود، دوباره مرکز فرمانروایی ایران شد و کانون گسترش فرهنگ ایران، پس از آمیختگی با فرهنگ‌های دیگر، به شمار آمد. تیمور در جهت آبادانی و زیبایی این شهر از هیچ کوششی دریغ نکرد و به واسطه حضور هنرمندان و صنعتگرانی که از اقصا نقاط در آنجا گرد آورده بود، به زودی این شهر را به یکی از زیباترین شهرهای جهان تبدیل کرد. او با متمرکز کردن هنرمندان و صنعتگران در سمرقند و صرف مال بسیار، بستر مناسبی برای ظهور و بروز توانایی‌های ایشان فراهم ساخت و برای آنکه از همکاری استادکاران همه کشورهای تحت نفوذ خود در ایجاد بناهای جدید استفاده کند، بی‌آنکه آنان را از سنن ملی خود دور کند، جنبشی اساسی به فعالیت‌های هنری داد. فاتح لنگ از سال ۷۸۱ق اقدام به گردآوری هنرمندان و صنعتگران و معماران از سرزمین‌های مفتوحه کرد: نخست از خوارزم و سپس از تبریز و شیراز و اصفهان و کاشان و سرانجام از بغداد و هند و شام.

پس از تیمور کوچک‌ترین پسرش شاهرخ با پیروزی بر همه مدعیان حکومت، فرمانروایی بر قلمرو تیموری را در دست گرفت. دوران حکومت ۴۲ ساله او (۸۰۸-۸۵۰ق) زمان تثبیت هنجارهای فرهنگی و هنری تمدن عظیم تیموری است. امنیت و آسایش نسبی‌ای که در این دوره بر ایران حاکم شد، تا حدی معلول خصال شاهرخ است. شاهرخ به خلاف تیمور که طبعاً جنگ‌جو بود، طبعی سلیم و صلح‌دوست داشت. عادت او این بود که تا آنجا که کاری به صلح و ملایمت و تدبیر به انجام می‌رسید راهی جنگ نمی‌شد و در بیشتر مواردی که یکی از امرا یا خویشان او سر از اطاعت می‌پيچید، تلاش می‌کرد تا او را به اندرز و ملاحظت از طغیان باز دارد. شاهرخ که فردی دین‌پرور و دین‌دار و دوست‌دار هنر و هنرمندان بود، با گرد آوردن هنرمندان طراز اول زمانه در هرات و حمایت بی‌دریغ از ایشان در مقام جبران ویرانگری‌های پدر و تداوم سیاست‌های او در زمینه فرهنگ و هنر برآمد و به زودی هرات را مانند سمرقند یکی از زیباترین شهرهای عصر خود کرد. فروپاشی امپراتوری خاندان تیموری پس از درگذشت شاهرخ در سال ۸۵۰ق آشکارا شدت گرفت. جدا از اختلافات کوچک و بزرگی که در میان شاهزادگان و درباریان به جنگ و جدل‌های داخلی انجامید، دشمنان خارجی نیز فرصت را برای دست‌یابی به قدرت مناسب دیدند و بیایی قلمرو تحت حاکمیت شاهرخ را دستخوش تاخت و تاز کردند. در این میان ترکمانان قراقویونلو و آق‌قویونلو از دیگران قدرتمندتر بودند. اما سرانجام از پس خون‌ریزی‌های بسیار یکی از نوادگان میرانشاه بن تیمور یعنی سلطان ابوسعیدمیرزا با تسلط بر بخش‌های اصلی حکومت



تیموریان در ماوراءالنهر و خراسان توانست مدتی حدود ۱۸ سال (۸۵۵-۸۷۳ق) در قلمرو خاندانش آرامشی نسبی برقرار سازد. اما او هرگز نتوانست شکوه دربار تیمور و شاهرخ را تجدید کند. اندکی پس از سقوط سلطان سعید و دو فرزندش سلطان احمد و سلطان محمود، سلطان حسین میرزا باقرا که از فرزندزادگان عمرشخ بن تیمور بود با حمله به خراسان و تصرف شهر هرات، استقلال و اقتدار خود را برای مدت ۳۸ سال (۸۷۳-۹۱۱ق) در شرق ایران به تثبیت رساند. اگرچه دوره فرمانروایی او به لحاظ وسعت خاک و قدرت و نیرومندی ارکان دولت به اهمیت سلطنت ابوسعید گورکانی نبود، از جهت رونق بازار هنر و ادب و صنایع به مراتب برتر و بهتر از دوره او به شمار می‌آید. سلطان حسین حامی جدی علم و ادب و هنر بود. در زمان او هرات رونق بسیار یافت و در آن عمارات مختلف از جمله مدرسه و کتابخانه‌های بزرگ بنا شد. او دربار خود را در هرات مرکز درخشان علم و ادب کرد. بسیاری از شاعران و مورخان و مؤلفان نامدار روزگار در این مرکز و در سایه عنایات سلطان حسین میرزا جمع و از توجهات او بهره‌مند بودند. حضور وزیر و ندیمی صدیق و مشاوری فاضل و شاعری خوش ذوق چون امیر کبیر، نظام‌الدین علی شیر نوایی نیز از بخت‌یاری این فرمانروا بود. نوایی مشوق اصلی فاضلان روزگار در تالیف و تصنیف و دوست‌دار شاعران و هنرمندان و از بنیان بزرگ آثار خیر بود. سلطان حسین توانست یک بار دیگر شکوه و عظمت فرهنگی و هنری تمدن تیموریان را با حمایت همه‌جانبه از فعالیت‌های هنری تجدید کند. او که خود پادشاهی شاعرپیشه و هنردوست بود، در دوره دراز حکومت خویش به جای هرگونه جاه‌طلبی و طمع‌ورزی به قدرت و تاخت و تاز بیهوده برای کشورگشایی، تمام نیروی خود را صرف پشتیبانی از هنرمندان و فراهم‌سازی زمینه ظهور و بروز توانایی‌های ایشان کرد. در واقع سلطان حسین را بایست آخرین احیا کننده شکوفایی هنر در عهد تیموریان دانست. دوره حکومت او را تنها با پیشرفت‌های چشم‌گیر و روزافزون فعالیت‌های فرهنگی و هنری می‌شناسند.

۲. رونق اقتصادی

بی‌گمان یکی از مهم‌ترین عوامل شکوفایی یک جامعه به لحاظ فرهنگی و اجتماعی، شرایط مساعد اقتصادی است. در دوره تاریخی مورد بحث وضع اقتصادی جوامع تحت حاکمیت تیموریان به مرتبه‌ای از پیشرفت رسید که با وجود همه مصائب و ناکامی‌ها، موجبات رونق همه‌جانبه امور فرهنگی و عمران و آبادانی همه سرزمین‌های فتح شده، به‌ویژه سمرقند، فراهم شد. گذشته از ثروت‌های انبوهی که از راه غارت اموال شکست‌خورده‌گان به دربار تیمور سرازیر می‌شد، شرایط مساعد اقتصادی و بازرگانی هم از عوامل شکوفایی این دوره است. بیشترین اطلاعاتی که در این خصوص در دست است، از گزارش کلاویخو است که در سفرنامه خویش آورده است. جانشینان تیمور نیز برای جبران زیان‌های گذشته می‌کوشیدند. آنان برای تأمین رفاه مردم و بهبود وضع اقتصادی زراعت و تجارت را توسعه دادند. گفته‌اند که شماری از حکمرانان تیموری، از جمله شاهرخ و الغبیک، توجه خاصی به سیستم‌های آبیاری داشتند و به باسازی این تأسیسات می‌پرداختند.

تجارت نیز در این عصر رونق یافت. شاهرخ در تنظیم روابط تجاری و عمارت راه‌ها و تسهیل کار تجار و مسافران کوشش می‌کرد. در نامه‌ای که شاهرخ به خاقان چین از خاندان مینگ نوشت تمایل خود را به برقراری روابط تجاری و تنظیم امور داد و ستد ابراز کرد. شهرهای تجاری مهم ایران عبارت بود از تبریز و سلطانیه و سمرقند و قندهار و ری و بندر هرمز که غالباً بر سر راه کاروان‌ها قرار داشتند. شهر زیبای هرات در آن عصر در مرکز سرزمین خراسان علاوه بر جایگاه ارجمند اجتماعی و سیاسی‌ای که داشت و پایتخت تیموریان به شمار می‌رفت، کانون جنبش فرهنگی و ادبی عظیمی بود و به لحاظ غنای فرهنگی و رونق زندگی مادی، آن را مهم‌ترین مرکز فرهنگی و بازرگانی و سیاسی ایران بزرگ می‌دانستند. صنایع و پیشه‌های گوناگون در هرات این عصر از رونق چشم‌گیر برخوردار بود و در گوشه و کنار شهر صدها تیم^۲ و تیمچه^۳ اصناف وجود داشت.

۳. آزادی مذهبی و احترام به علمای دین و رهبران گرایش‌های تصوف

در نتیجه علاقه‌مندی فرمانروایان تیموری به دین و حمایت آنان از بزرگان دین، مطالعات و مباحثات دینی رواج بسیار یافت و عده کسانی که به جامعه اهل مذهب وارد می‌شدند فزونی گرفت. مسلمانی و دین‌پروری تیمور را، حتی اگر عوام‌فریبی و تظاهری بیش نباشد، می‌توان مثبت ارزیابی کرد؛ چرا که تا حد زیادی از شدت اعمال وحشیانه‌ای می‌کاست و سبب می‌شد که او ضمن احترام به صلحا و اهل دین، از آسیب رساندن به بقاع متبرکه و مزارات شریفه بپرهیزد. او برای نشان دادن ارادت و توجه خود به گروه‌های مذهبی و به‌ویژه سادات، هیچ‌گاه از آنان باج و خراج و مالیات نمی‌گرفت و در کشتارهای وحشیانه و دسته‌جمعی خود ایشان را امان می‌داد. در منابع این دوره شواهدی هست که دل بستگی کامل شاهرخ به امور دینی و حمایت از اهل دین را نشان می‌دهد؛ مواردی چون ممنوع ساختن شرب خمر و از بین بردن خم‌خانه‌های پر از شراب شاهزادگان و کوشش





او در تشویق بزرگان به اجرای شعائر دینی و دعوت خاقان چین به اسلام و کمک به رجال برای انجام فریضه حج و نذر کردن برای فرستادن پوشش حرم کعبه و مداومت در زیارت مقابر بزرگان دین و مشایخ اهل تصوف، مانند زیارت مزار خواجه عبدالله انصاری در پنجشنبه هر ماه و تعمیر بقاع متبرکه. در این زمینه باید از دین‌پروری سلطان حسین بایقرا هم یاد کرد که او را «زینت اریکه خلافت» می‌خواندند.

با آنکه تیموریان خود اهل تسنن با مذهب حنفی بودند، پیروان سایر مذاهب به خصوص شیعیان را در اعتقادات خود آزاد می‌گذاشتند. در این عهد فرقه‌های مذهبی و صوفیه همچون حروفیه و نعمت‌اللهیه و نقشبندیه آزادانه به ترویج عقاید خود می‌پرداختند. بعضی از امیران تیموری نیز به این فرقه‌ها تعلق خاطر داشتند؛ مانند ارادت تیمور و شاهرخ به شاه نعمت‌الله پیشوای نعمت‌اللهیان و گرایش سلطان حسین بایقرا به فرقه نقشبندیه. امیر علی شیر و سلطان حسین میرزا بایقرا هم که از تعصب و قشریت روی گردان و مردانی آزاده و روشن بین بودند، جنگ هفتاد و دو ملت را عذر نهادند و به پیروی از حقیقت بر آرا و عقاید ملل و نحل احترام گذاشتند و اجازه ندادند که افراد قشری و خام، دین را دستاویز رسیدن به آمال مادی و دنیوی خود سازند و گروهی را به خاک و خون کشند. ایشان از زهد ریایی و عوام‌فریبی، که خطرناک‌ترین بیماری اجتماع است، سخت پرهیز می‌کردند و خطر افکار منجمد و تعصبات خشک عوام را به پیروی از شاعر و عارف بزرگ زمان، عبدالرحمن جامی دریافته بودند. در این احوال هنرمندان هم از آزادی فکری بیشتری بهره‌مند بودند و به فرقه‌های تصوف می‌پیوستند و بسیار اتفاق می‌افتاد که هنر خویش را در خدمت اعتقادات صوفیانه به کار می‌گرفتند. معروف خوشنویس و جامی شاعر و بهزاد نقاش از این گروه بودند.

۴. توسعه علوم و حمایت از دانشمندان و ساخت مدارس علمی و دینی

دوره تیموریان را می‌توان از دوره‌هایی شمرد که در آنها علم و دانش رونق چشم‌گیر یافت. علت را باید در حمایت و تجلیل سران تیموری از ارباب علم و معرفت جست. تیمور همیشه با عالمان ارتباط برقرار می‌کرد و به مناظره بزرگان طریقت‌های مذهبی، اهل کلام، و به طور کلی نمایندگان حیات روحانی جامعه علاقه خاصی نشان می‌داد. او به علم طب و نجوم هم علاقه داشت. تعداد مدارس و مراکز تعلیم در دوره تیموریان بسیار بود. برخی از این مدارس به فرمان فرمانروایان و شاهزادگان بنا شد و شماری هم با حمایت سایر امیران و بزرگان دربار تیموریان. شیراز مرکز علمی جنوب ایران بود و بزرگانی چون میر سیدشرف جرجانی (وفات ۸۱۶ق) و جلال‌الدین دوانی (وفات ۹۰۸ق) و صدرالدین دشتکی حوزه علمی شیراز را رونق بخشیدند. تبریز نیز مقر برخی از حکمرانان تیموری بود که اغلب مشوق دانشمندان بودند. مهم‌ترین شاخه‌های علم در دوره تیموریان عبارت بود از: علوم دینی (قرائت، تفسیر، حدیث)، علوم عقلی، هیئت و نجوم، و ریاضیات فلکی.

۵. صاحب‌منصبان و درباریان هنرپرور

در کنار امیران تیموری، بسیاری از درباریان و اعضای این خاندان در توجه به هنر و حمایت از هنرمندان بسیار گشاده‌نظر بودند؛ چنان‌که با حمایت چند تن از همسران تیمور و شاهرخ بناهای بسیاری برپا شد. فرزندان شاهرخ نیز علاقه به فرهنگ و هنر را از پدر به ارث برده بودند و هر یک به سهم خود نه تنها در پرورش و نوازش هنرمندان سعی بلیغ می‌کردند بلکه خود نیز از انواع هنرها بهره‌ای تمام داشتند و از استادان بلندپایه چیزی کم نداشتند. میرزا الغ‌بیک، فرزند ارشد شاهرخ که در علم نجوم استعداد و مهارتی چشم‌گیر داشت، به یاری دانشمند گرانمایه‌ای چون غیاث‌الدین جمشید کاشانی رصدخانه بزرگ سمرقند را برپا کرد که در دوره خویش بی‌نظیر بود. او همچنین به شعرا و هنرمندان رشته‌های مختلف بسیار توجه می‌کرد و در حمایت از آنان از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کرد. در شیراز و اصفهان هم عموزاده او، میرزا اسکندر بن عمر شیخ دربار هنرپروری داشت که شاید بتوان آغاز هنر کتاب‌آرایی عظیم دوره تیموری را از آنجا دانست. پس از برکناری اسکندر سلطان از حکومت فارس، شاهزاده ابراهیم سلطان بن شاهرخ به تختگاه شیراز تکیه زد که وصف هنردوستی و هنرمندی او در تاریخ به تفصیل آمده است. اما شاید بزرگ‌ترین شاهزاده هنرپرور و هنرمند این عهد میرزا بایسنقر بن شاهرخ باشد که به گفته اکثر مورخان و محققان در جایگاه یکی از بزرگ‌ترین حامیان هنر و کتاب‌دوستان جهان قرار دارد. بایسنقر در اغلب فنون هنر زبردست بود. نقاشی می‌دانست و خط ثلث را کسی بهتر از او نمی‌نوشت. چنان‌که می‌دانیم کتیبه‌های معروف مسجد گوهرشاد مشهد به خط اوست. او طبع شعر نیز داشت و شعرا را حمایت می‌کرد و به ایشان صله‌های فراوان می‌بخشید.

علاقه بایسنقر به هنر چنان بود که از همه‌جا هنرمندان را به هرات فرا می‌خواند و به کار می‌گماشت. به روایت منابع معتبر دائماً چهل تن کاتب و نقاش و صحاف به ریاست مولانا جعفر تبریزی معروف به جعفر بایسنقری در حمایت بایسنقر به استنساخ و آرایش کتب مشغول بودند. او با پرداخت دستمزدهای گزاف و اعطای انعام‌های شاهانه برجسته‌ترین استادان خط و نقاشی را نزد خود می‌خواند و آنان نیز برای او ظریف‌ترین آثار هنری را پدید می‌آوردند.^۴

در کنار فرمانروای هنرپرور چون سلطان حسین بایقرا نیز دوست و همدم دیرین و وزیر باکیاست او امیر علی شیر نوایی حضور داشت. این سخن هرگز به خطا و اغراق نخواهد بود که اگر در دوره تیموری از آغاز ظهور تیمور تا پایان سقوط آخرین امیر این خاندان هیچ کس توجهی به هنر نمی‌کرد و تنها امیر علی شیر به حمایت از هنر و هنرمندان برمی‌خاست، باز هم کفایت می‌کرد که این دوره را از درخشان‌ترین مقاطع تاریخ هنر ایران بدانیم. نتیجه این آزادی نسبی بود که در این دوره هنر راه تکامل و ترقی پیمود و در علم

موسیقی و ادوار و تذهیب و نقاشی و خوشنویسی و معماری و ادبیات آثاری گران بها پدید آمد و هنرمندانی نام‌آور ظهور کردند و در حکمت و فلسفه و ادب پارسی آثار شایان توجهی تصنیف شد و به گنجینه هنر کهنسال این سرزمین غنایی بیش از پیش بخشید.

۶. اجتماع هنرمندان

ظهور هنرمندان توانایی که هر یک در دوره خویش از نوادر روزگار بودند، بدون تردید در اوج‌گیری هنر این دوره تأثیر مستقیم داشت. در قالب اجتماع بزرگی که از هنرمندانی با فرهنگ‌ها و آداب و رسوم مختلف و متفاوت شکل گرفت، فرصتی برای تعامل و تبادل اندیشه میان ایشان فراهم شد، آن‌چنان که هر یک با ارائه آثار خود، دیگران را از هنر خویش متأثر می‌ساخت. افزون بر این، آثاری که این هنرمندان از خود به جا گذاشتند، سرمشق و الگویی برای هنرمندان نسل‌های بعد پدید آورد که شکوفایی بیش از پیش هنر را در پی داشت؛ چنان که معماری مسجد جامع سمرقند الگویی برای همه مساجد پس از خود شد و در نقاشی شیوه‌های که استاد عبدالحی با خود از بغداد آورد، بر همه نقاشان بعدی تأثیر گذاشت و در موسیقی عبدالقادر مراغه‌ای پیشوای تمام موسیقی‌دانان پس از خود شد. در عصر شاهرخ گروهی از نام‌آورترین رجال هنری ایران به ظهور رسیدند. در کمتر دوره‌ای می‌توان چنین جمع هنرمندی را در رشته‌های مختلف هنری در کنار یکدیگر یافت. مورخ و دانشمند بزرگی چون حافظ ابرو در کنار شاعر ارزنده و عارف وارسته‌ای چون شاه نعمت‌الله ولی و معماران زبردستی چون قوام‌الدین و غیاث‌الدین شیرازی در کنار نقاشانی چون مولانا خلیل و غیاث‌الدین نقاش و خوشنویسان بی‌بدیلی چون مولانا جعفر و اظهار تبریزی و بالاخره موسیقی‌دان جامع‌الاطراف تاریخ ایران خواجه عبدالقادر بن غیبی مراغه‌ای، شکوفایی هنر در این دوره را به صورت امری کاملاً بدیهی درآوردند. دربار سلطان حسین بایقرا هم هنرمندان برجسته‌ای پرورد. مولانا نورالدین عبدالرحمن جامی نه تنها با خلق آثار ارزشمند ادبی برگ زرینی دیگر به تاریخ ادب ایران افزود، بلکه با تأثیر شگرفی که با بهره‌گیری از گرایش‌های معنوی و عرفانی خود بر دیگر هنرمندان نهاد، آنان را در آفرینش هنری ناب یاری رساند. از جانب دیگر سرمایه‌گذاری عظیم سلطان حسین و امیر علی شیر، بازار ساخت و ساز ابنیه و عمارات را رونق داد و هنرمندان معمار فرصتی برای هنرنمایی یافتند. موسیقی‌دانان هم که مجلس‌افروز بزم‌های پیایی سلطان حسین بودند و هم‌نشین محافل امیر علی شیر، چراغ این هنر متعالی را روشن نگاه داشتند. کارگاه کتاب‌آرایی سلطان حسین هم محل تجمع بزرگ‌ترین نقاشان و خوشنویسان و مذهبیان و جلدسازان و جدول‌کشان بود. در نقاشی این زمان کسانی چون میرک نقاش و مولانا ولی‌الله و شاه مظفر قدم به عرصه نهادند؛ اما مشهورترین نقاش تمامی اعصار ایران و اسلام یعنی کمال‌الدین بهزاد با نبوغ سرشار دریچه‌ای تازه در نگارگری گشود و با بهره‌گیری از دستاوردهای پیشینیان و به کارگیری قوه خلاقه خویش هنر نگارگری ایران را به اوج رساند و بسیاری از نقاشان نسل‌های بعد قدم در راه تقلید از او گذاشتند. در خوشنویسی این روزگار سلطان علی مشهدی، بزرگ‌ترین نستعلیق‌نویس تاریخ تا آن زمان، در کنار دیگر هنرمندان، آثاری به نگارش درآورد که بعدها زینت‌بخش بزرگ‌ترین و معتبرترین موزه‌های سراسر عالم شد. مجموعه این عوامل موجب شد که آخرین سال‌های حیات سلسله تیموریان و در روزگاری که قدرت این خاندان رو به کاهش می‌رفت، با اوج‌گیری فعالیت‌های فرهنگی و هنری و پیدایی آثار ارزشمند و ظهور هنرمندان کارآمد و بی‌مانند مقارن شود و کابوس دهشتناک کشتار و ویرانگری سال‌های آغاز برآمدن این سلسله به خاطره ماندگار و افتخارآمیز توسعه و شکوفایی هنر در روزگار براق‌تادان این خاندان تبدیل شود. باید گفت که هر چند تمدن تیموریان به دست طالبان قدرت از هم فرو پاشید، حاصل دستاوردها و تجربیات فرهنگی و هنری این دوره تا مدت‌ها بعد و تا همین امروز نیز بر حیات فرهنگی سرزمین ما تأثیری انکارناپذیر داشته است. آنچه امروز خاطره فرمانروایان تیموری را که از نسل اقوام بی‌تمدن و نیمه‌وحشی بیابان‌گردان ماوراءالنهر بودند، در تاریخ جاودان ساخته، نه جنگ‌طلبی و جهان‌گشایی بلکه بی‌تردید آثار هنری به جا مانده از روزگار ایشان است که حاصل نبوغ پایان‌ناپذیر هنرمندان ایرانی است.

پی‌نوشت

۱. تومان محلی را گویند که ده‌هزار مرد جنگی بیرون دهد.
۲. کاروان‌سرای بزرگ.
۳. سرایی دارای چند دکان که تاجران در آن داد و ستد کنند.
۴. ادوارد براون، تاریخ ادبی ایران، ج ۳، ص ۵۵۵.

کتاب‌نامه

- براون، ادوارد گرانویل. تاریخ ادبی ایران، ج ۳: از سده‌ی تا جامی، ترجمه و حواشی علی‌اصغر حکمت، تهران، امیرکبیر، ۲۵۳۷.
- علی شیر نوایی، نظام‌الدین. دیوان امیر نظام‌الدین علی شیر نوایی، به سعی و اهتمام رکن‌الدین همایون فرخ، تهران، انتشارات کتابخانه ابن سینا، ۱۳۴۲.
- کاوسی، ولی‌الله. «علی شیر نوایی در مقام حامی هنر»، در: گلستان هنر، ش ۷ (بهار ۱۳۸۶)، ص ۹۹-۱۰۶.
- کونل، ارنست. هنر اسلامی، ترجمه هوشنگ طاهری، تهران، توس، ۱۳۵۵.
- ویلبر، دونالد و لیزا گل‌میک، معماری تیموری در ایران و توران، ترجمه کرامت‌الله افسر و محمدیوسف کیانی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۴.
- پارشاطر، احسان. شعر فارسی در عهد شاهرخ تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۴.

